

اخبار و گزارش های کارگری 26 مهرماه 1405

- ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بدهی دولت و بیمه درمانی نامناسب با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز، رشت، قزوین و کرمانشاه مقابل اداره کل کار استان های خوزستان، گیلان، قزوین و کرمانشاه

دزفول و شوش مقابل اداره کار و تامین اجتماعی شهرستان

و تهران تجمع مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی فرهنگی و مخابرات مقابل سازمان تامین اجتماعی

- ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی و ادغام صندوق بازنشستگی فولاد با کشوری، با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعارهای «فولادی دادبزن حق توفریادبزن»، «دشمن ما همینجاست دروغ میگویند آمریکاست»، «دزدی ها تون و کم کنید مشکل مارو حل کنید»، «یه اختلاس و کم کنید مشکل مارو حل کنید» و...

- وقتی سرکوب نیازی به بازجو ندارد! در دفاع از محمود بهشتی لنگرودی

- برگی از تاریخ

ده شب شعر گونه؛ صدای بلند اعتراض و آزادی خواهی

- آغاز مجدد اذیت و آزار حراست دانشکده ادبیات دانشگاه علامه

- تعیین تاریخ دادگاه سیامک صادقی چهارازی

- ششمین روز ادامه اعتراض کارگران پوشاک بنگلادش برای افزایش حداقل دستمزد و پرداخت بموقع مطالبات معوقه با مسدود کردن جاده؛ درگیری پلیس با معترضان و مصدومیت دست کم 50 نفر

- تظاهرات سراسری در پرتغال برای افزایش دستمزدها و بهبود خدمات عمومی و ادامه چادرزنی معترضان به بحران مسکن در لیسبون و پورتو با خواسته لغو قانون جدید اجاره و گسترش مسکن عمومی

- تجمع ضد نژادپرستی در کپنهاگ در اعتراض به راهپیمایی راست افراطی برای اخراج مهاجران

- ادامه پری بردن کارگران بر اثر حوادث کاری زیر سایه بی خیالی صاحب منصبان:

1- جان باختن 58 کارگر در استان آذربایجان شرقی بر اثر حوادث کاری طی 6 ماهه اول سال جاری

2- جان باختن 23 کارگر در استان کرمانشاه بر اثر حوادث کاری طی 6 ماهه اول سال جاری

3- باز هم جان باختن کارگران شهرداری بر اثر تصادف حین کار؛ اینبار کارگر فضای سبز شهرداری گرگان

4- جان باختن یک کارگر 65 ساله در رشت بر اثر سقوط به چاله آسانسور

*ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق ،عدم پرداخت بدهی دولت وبیمه درمانی نامناسب با راهپیمایی وتجمع در شهرهای اهواز، رشت،قزوین وکرمانشاه مقابل اداره کل کار استان های خوزستان، گیلان،قزوین و کرمانشاه

دزفول وشوش مقابل اداره کاروتامین اجتماعی شهرستان

و تهران تجمع مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی فرهنگی و مخابرات مقابل سازمان تأمین اجتماعی

یکشنبه 26 مهر

شعارها:

«فقط کف خیابون بدست میاد حقمون»

«همبستگی اتحاد پایان ظلم وبیداد»

« لشکری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد»

«قسم به خون یاران تالغو حکم اعدام ایستاده ایم تا پایان»

«هم صدا هم پیمان علیه حکم اعدام»

«نه به اعدام»

«تا حق خود نگیریم ایستاده ایم ایستاده»

« اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد»

«نه جنگ می خوایم نه ذلت رفاه می خوایم با عزت»

« مرگ بر گرانی فقر و جنگ و ویرانی»

«نابود باد بردگی زنده باد زندگی»

« جنگ و تحریم بهانه ست زندگی ما نشانه ست»

« گرانی اختلاس این اقتصاد شماسست»

« تا مافیا کفن نشود این وطن وطن نشود»

«فقر وفلاکت تا کی دزدی ز مردم تاکی»

«بازنشسته داد بزن حق توفریاد بزن»

«بازنشسته رنج نکش حق تو فریاد بکش»

«ما بازنشستگانیم خواهان حق مانیم»

«می جنگیم می میریم حق مونو می گیریم»

«معترض زندانی آزاد باید گردد»

«کارگر زندانی آزاد باید گردد»

«معلم زندانی آزاد بایدگردد»

«ناهیید خداجو آزاد باید گردد»

«درمان بازنشسته فاجعه ای گسترده»

«ظلم و ستم فراوان مارا کشاند خیابان»

«دانشگاه دانشگاه سنگر آزادگان»

«خیابان خیابان سنگر زحمتکشان»

« اموال بازنشسته غارت میشه پیوسته»

«دلار نفتی کجاست تورمش مال ماست»

«آقازاده رو گنجه بازنشسته تورنجه»

«فقر بیداد می کنه دولت غارت می کنه»

«زیربارستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم درره آزادی ننگ براین زندگی ننگ براین زندگی»

«کشورپر درآمد چی برسر توآمد»

«ای مجلس ای دولت بسه دیگه خیانت»

«دولت ورشکسته کشتیش به گل نشسته»

« فساد مدیران ایران رو کرده ویران»

«اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملت»

«سفره بازنشسته خالی تر از همیشه»

«یخچال بازنشسته خالی تر از گذشته»

«گرانی تورم بلای جان مردم»

« گرانی، تورم شلیک بسوی مردم»

«تورم اسفبار حاکم شده تو بازار»

«نرخ دلار عدد نیست نابودی زندگیست»

«هزینه ها دلاریه حقوق ما ریالیه»

«سفره بی نان ما چی می خواید از جان ما»

«حقوق نصف ونیمه سکوت کنی همینه»

«نان گران دارو گران در حسرت یک لقمه نان»

«تامین غارت کردند ماروبیچاره کردند»

«تامین اجتماعی چه نام اشتباهی»

«بیمارستان ملکی حق مسلم ماست»

«بیمه تحمیلی نمی خوایم نمی خوایم»

«ماده 54 اجرا باید گردد»

«ماده 96 اجرا باید گردد»

«نه غزه نه حوثی بیا بفکر ماباش»

«ننگ ما ننگ ما صدا وسیمای ما»

تصاویر:

دزفول:



رشت:



نشوش:



کرمانشاه:



اگزارشی از تجمع رشت

مردم شریف و آگاه ایران

امروز یکشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۵ مطالبه گران کف خیابان گیلان همراه با سایر استانهابه خیابان آمدندضمن محکوم کردن حکم ظالمانه وقرون وسطایی شلاق بر پیکرنحیف کارگرآنکه فقط نان رخت بر بسته از سفره تهی و غارت شده خود را طلب کردند واعتراض نسبت به تداوم اسارت معلمین شریف و آگاه کشور وکلای آزاده و تمامی معترضان وضع موجود فریاد براترزدند وخواستارآزادی یکایک آنان شدن همچنین نام بزرگ هاشم خواستار،؛نگین انگشتر معلمان ایران مسعود فرهیخته معلم مبارزی که پایداری را در سلول انفرادی تدریس میکند،دکتر امانی فر اسوهٔ محبوب مقاومت و دیگر معلمان و معترضان را بانگ برآوردند واعلام داشتنداسارت معلم مترادف با اسارت خرداندیشه وقلم است.

پی نوشت: امروز نیز مأموران پلیس همچون گذشته به نمایندگی از دادستان رشت خواستار جمع‌آوری بنرها شدند؛ درخواستی که با بی‌اعتنایی مطالبه‌گران کف خیابان، روبه‌رو شد. دیروز گنوبت برجیدن بلندگوها بود و امروز بنرها به گمان حاکمیت جور و جهل، با برجیدن این دو، صدای معترضان، به خاموشی می‌گراید

از ترس عبور کرده‌ایم و به خشم رسیدیم

مطالبه‌گران کف خیابان گیلان

*ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد باکشوری، با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعارهای «فولادی دادبزن حق توفریادبزن»، «دشمن ما همینجاست دروغ می‌گند آمریکاست»، «دزدی‌ها تون و کم کنید مشکل مارو حل کنید»، «یه اختلاس و کم کنید مشکل مارو حل کنید» و...

روزیکشنبه 26 مهر، کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعارهای «فولادی دادبزن حق توفریادبزن»، «دشمن ما همینجاست دروغ می‌گند آمریکاست»، «دزدی‌ها تون و کم کنید مشکل مارو حل کنید»، «یه اختلاس و کم کنید مشکل مارو حل کنید» و... به اعتراضات دامنه دارشان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد باکشوری، ادامه دادند.



*وقتی سرکوب نیازی به بازجو ندارد! در دفاع از محمود بهشتی لنگرودی

محمد حبیبی / فعال صنفی معلمان

سرکوب همیشه چهره‌ی آشنایی داشته است: احضاریه، بازداشت، حکم، زندان. فعال صنفی می‌داند با چه طرف است، خانواده‌اش می‌داند، همکارانش می‌دانند؛ و همین دانستن، سپری است. کسی که به‌خاطر دفاع از حقوق معلمان زندان می‌رود، از زندان با اعتبار بیشتری بیرون می‌آید، نه کمتر. حاکمیت این را سال‌هاست فهمیده است: هر حکمی که برای یک فعال صنفی صادر می‌کند، برای او سرمایه می‌سازد.

رامحلی که سرکوب برای این مشکل پیدا کرده، از جنس احکام نیست؛ از جنس کلمات است. اگر بشود کاری کرد که فعال صنفی پیش از آن‌که به دادگاه برسد، در میان همکاران خودش بی‌اعتبار شود، حکم دیگر سرمایه نمی‌سازد؛ تأیید می‌شود. و این کاری است که بازجو نمی‌تواند بکند. بازجو هر چه بگوید، از دهان بازجو شنیده می‌شود. اما اگر همان حرف از دهان یک «همکار سابق»، یک «منتقد به‌ظاهر دلسوز»، یک کانال بی‌نام‌ونشان که خود را صدای بدنه‌ی معلمان می‌نامد شنیده شود، دیگر حرف بازجو نیست؛ حرف خودی است. این را می‌توان برون‌سپاری سرکوب نامید: واگذاری آن بخش از کار که دستگاه رسمی از عهده‌اش برنمی‌آید، به کسانی که در موقعیتی ایستاده‌اند که دستگاه رسمی هرگز نمی‌تواند در آن بایستد — درون جنبش.

در هفته‌های گذشته، یکی از قدیمی‌ترین فعالان صنفی معلمان این کشور، محمود بهشتی لنگرودی، کسی که سال‌ها از عمرش را به‌خاطر همین فعالیت در زندان گذرانده، با پرونده‌ی قضایی تازه‌ای روبه‌رو شد؛ نه فقط خودش، که همسرش.

در همان روزها — و تأکید بر همان روزها عمدی است — موجی از نوشته‌ها علیه او در فضای مجازی به راه افتاد که محتوایش از این قرار بود: «سال‌های زندانش نمایش بوده؛ احضاریه‌ی تازه نشان می‌دهد تخلفاتش واقعی است؛ عضویت در تشکل صنفی به کسی مصونیت نمی‌دهد؛ و در شورا "نفوذی" آمده است تا جنبش را کنترل کند، هدفش انفعال و محافظه‌کاری است».

او از مسئولیت‌هایش کناره گرفت. کنارگیری‌اش هم بلافاصله «فرار از پاسخ‌گویی» نام گرفت.

این یادداشت درباره‌ی نیت نویسندگان آن متن‌ها نیست. نیت، چیزی است که فقط صاحبش می‌داند و هیچ‌کس نمی‌تواند درباره‌اش حکم بدهد؛ و دقیقاً به همین دلیل، بحث درباره‌ی نیت همیشه به بن‌بست می‌رسد و هر دو طرف با همان یقینی که آمده‌اند، برمی‌گردند. این یادداشت درباره‌ی کارکرد است، که برخلاف نیت، قابل دیدن است. کارکرد آن متن‌ها این بود: در هفته‌ای که دستگاه قضایی برای یک فعال صنفی پرونده می‌ساخت، از درون صدایی بلند شد که به پرونده‌ساز می‌گفت درست می‌گویی. دستگاه قضایی برای این‌که کسی را از درون جنبشش بیرون بیندازد، به حکم نیازی نداشت؛ کافی بود کمی صبر کند.

پرسشی که باید پرسید این نیست که آیا آن نویسندگان با دستگاه سرکوب هماهنگ‌اند یا نه. پاسخ این پرسش را کسی نمی‌داند و شاید هیچ‌وقت نداند.

پرسش این است: اگر هماهنگ بودند، چه چیزی را متفاوت می‌نوشتند؟ اگر پاسخ «هیچ» است — و هست — آن وقت تفاوت میان همدستی و بی‌احتیاطی، برای کسی که زیر فشار است، تفاوتی نظری است. نتیجه یکی است.

جنبش معلمان در سخت‌ترین دوره‌ی سه دهه‌ی اخیر خود ایستاده است: جنگ، امنیتی‌شدن هر گردهمایی، احکام سنگین، اخراج و انفصال، و هیئت‌های تخلفاتی که به بازوی فشار تبدیل شده‌اند. در چنین دوره‌ای، نقد لازم است و بی‌رحمانه‌ترین نقدها هم باید شنیده شود؛ تشکلی که نقد را تحمل نکند، پیش از سرکوب از درون می‌پوسد. اما میان نقد و اتهام یک مرز ساده هست که هر فعالی می‌شناسد: نقد به عملکرد می‌پردازد و با سند و استدلال می‌آید؛ اتهام به هویت می‌پردازد و با گمانه و کنایه. نقد می‌گوید «این تصمیم غلط بود»؛ اتهام می‌گوید «نفوذی». اولی جنبش را قوی‌تر می‌کند، حتی وقتی تند است. دومی، حتی وقتی از سر دلسوزی باشد، همان کاری را می‌کند که بازجو برایش حقوق می‌گیرد.

کسی که این روزها هدف این موج است، محمود بهشتی، نیازی به دفاع من یا هیچ‌کس دیگری ندارد؛ کارنامه‌اش را بازجوها نوشته‌اند و معتبرتر از هر دفاعیه است. این یادداشت برای او نوشته نشده. برای این نوشته شده که دفعه‌ی بعد — و دفعه‌ی بعدی هست — وقتی احضاریه‌ای ابلاغ می‌شود و همزمان کانالی بی‌نام «اتهاماتی جدی» مطرح می‌کند، کسی نپرسد چه کسی پشت آن کانال است. بپرسد: این متن را اگر بازجو نوشته بود، چه فرقی داشت؟

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران

*برگی از تاریخ

ده شب شعر گونه؛ صدای بلند اعتراض و آزادی‌خواهی

«سلام، شکستگان سال‌های سیاه، تشنگان آزادی، خواهران و برادرانم، سلام!

عضو کانون نویسندگان ایران هستم و با حفظ استقلال اندیشه‌ی خود و پذیرش تمام مسئولیت آن، از پایگاه کانون نویسندگان ایران با شما حرف می‌زنم و برایتان شعر می‌خوانم». (سعید سلطان‌پور - شب پنجم)

شب‌های شعر و سخرانی گونه (ده شب) یا به تعبیر دقیق‌تر «شب‌های نویسندگان و شاعران ایران» در مهرماه ۱۳۵۶، از بزرگ‌ترین حرکت‌های فرهنگی-سیاسی نویسندگان مستقل و آزادی‌خواه بر ضد سانسور و قلع و قمع فرهنگی در تاریخ معاصر است.

دهه‌ی ۱۳۴۰ مبارزات مردمی ایران در برابر استبداد فراگیر و ستم‌گری روزافزون حکومت پهلوی آغاز شد. در دهه‌ی ۱۳۵۰ با استیلاي همه‌جانبه‌ی ستم و سرکوب در تمامی ساحت‌های اجتماعی ایران و گسترش تنگناهای اقتصادی، شعله‌های انقلاب فروزان شد. در این میان حکومت به یاری مزدوران خود محدودیت‌ها را بیش از پیش شدت بخشید. فهرست مطول نویسندگان زندانی و ممنوع القلم، تک‌حزبی شدن فضای سیاسی ایران، فقدان مطبوعات آزاد، به زندان افکندن افراد به جرم خواندن کتب ممنوعه، شکنجه‌ی طاقت‌سوز و تاب‌ربای دگراندیشان و آزادی‌خواهان در سلول‌های مخوف ساواک و... بخش اندکی از سانسور تحمیلی حکومت شاه در دهه‌ی ۱۳۵۰ پنجاه بود.

فعالیت‌های کانون نویسندگان ایران زیر فشار ساواک از سال ۱۳۴۹ به خاموشی گرایید و دوره‌ی دوم فعالیت آن از اواخر سال ۱۳۵۵ و اوایل سال ۱۳۵۶ آغاز شد. شب‌های گونه با کوشش‌های اعضای کانون نویسندگان ایران در همکاری با انستیتو گونه تهران (مؤسسه‌ی فرهنگی آلمان) از ۱۸ تا ۲۷

مهر همین سال در باغ انجمن فرهنگی روابط ایران-آلمان برگزار شد. در این ده شب تعداد بسیار زیادی از اعضای کانون نویسندگان ایران، نویسندگانی از طیف‌های گوناگون فکری و عقیدتی در مخالفت با سانسور گسترده‌ی حاکم بر جامعه‌ی ایران به شعرخوانی و سخنرانی پرداختند. سخنرانی در باب ضرورت آزادی بیان و اندیشه و قلم و اهمیت آن در زندگی اجتماعی مردم، دفاع از آزادی نشر کتاب، انتقاد از تهدید و ارباب و سانسور نویسندگان مستقل، نقد بنیادین سانسور و خفقان فکری، تحلیل عواقب ویرانگر فرهنگی و اجتماعی سانسور، و همچنین شعرخوانی پرحرارت برخی شاعران که شور انقلابی هزاران جوان را برانگیخت، بخشی از وقایع این ده شب بود. رویدادی که با استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو شد چنان‌که در شب‌های پایانی آن شمار مخاطبانش به بیش از ده هزار نفر رسید.

رویداد ده شب، صدای بلند اعتراض آزادی‌خواهان و روشنفکران بود و باید از آن به عنوان بخشی از تاریخ مبارزات مردم ایران بر ضد سانسور، ستم و سرکوب یاد کرد. صدایی طنین‌افکن و انقلابی که چندی بعد به شکلی دیگر در سراسر خیابان‌های ایران به گوش رسید. در جریان برگزاری ده شب گوته، همه‌ی نویسندگان و شاعرانی که دغدغه‌ی آزادی، امحای سانسور، رفع تبعیض، پایان خفقان و برقراری دادگری اجتماعی داشتند، آشکارا با نیرو بخشیدن به جریان ترقی‌خواه انقلاب، بر اوراق تاریخ آزادی‌خواهی، نقشی ماندگار حک کردند.

پس از انقلاب مردمی ایران و در سال ۱۳۵۸، کانون نویسندگان ایران قصد آن داشت به منظور بزرگداشت حرکت انقلابی «ده شب گوته»، برنامه‌ای مشابه برگزار نماید، اما عمال حکومت نوحاسته‌ی اسلامی که به قصد قبضه کردن قدرت، با برپایی سانسوری نوظهور و ارتجاعی به کتاب‌سوزان، ضرب و شتم فروشنندگان جراید و بستن مطبوعات مشغول بودند، مانع از برگزاری برنامه‌ای مشابه با شب‌های گوته شدند. بدینسان سانسور و سرکوب به هیئت نو جایگزین سانسور دوران پهلوی شد و اندک اندک بر بسیاری از ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران سایه افکند.

کانون نویسندگان ایران

***آغاز مجدد اذیت و آزار حراست دانشکده ادبیات دانشگاه علامه**

حراست دانشگاه علامه به‌تازگی با استخدام نیروهای جدید، آزار و اذیت دانشجویان به بهانه‌ی حجاب اجباری را از سر گرفته و به خود اجازه داده است که در حدود پوشش دانشجویان زن دخالت کند.

هر ساله با ورود دانشجویان جدیدالورود، حراست دانشگاه مذبحخانه در پی این است که سرکوب دانشجویان را به بهانه‌ی قوانین نخنما شده‌ی انضباطی از سر بگیرد. این در حالی است که میراث جنبش زن زندگی آزادی در روزمره‌ی ما دانشجویان جاری است و عصیان در برابر پوشش دستوری جمهوری اسلامی، به تمرین هرروزه‌ی ما بدل شده است. پس از تمام آنچه که در جنبش ژینا به دست آورده‌ایم، دیگر به زیر بار قوانین مرتجعانه حجاب اجباری نخواهیم رفت.

ما جمعی از دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه علامه، قاطعانه اعلام می‌داریم که در مقابل آزار و دخالت حراست در تعیین پوشش دانشجویان می‌ایستیم و به هیچ‌وجه به پوشش اجباری و اظهار نظرات وقیحانه‌ی حراست دانشگاه تن نمی‌دهیم و با شدت با آن برخورد خواهیم کرد.

*تعیین تاریخ دادگاه سیامک صادقی چهارزی

سیامک صادقی چهارزی را برای روز ۶ آبان‌ماه ۱۴۰۵ در شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز تعیین و به وکیل این متهم ابلاغ کرد.

سیامک صادقی چهارزی روز ۹ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ در اهواز بازداشت شد و اتهام او «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به حسن نصرالله» عنوان شده است.

بازداشت معلمان به بهانه مطالبه حقوق صنفی و بیان مطالبات و نقض آشکار آزادی بیان و حقوق اساسی است. کانون فرهنگیان اسلامشهر ضمن محکومیت بازداشت معلمان خواستار آزادی بی‌قیدوشرط سیامک صادقی چهارزی و همه معلمان زندانی هستیم.

#معلم_زندانی_آزاد_باید_گردد

#سیامک_صادقی_چهارزی

کانون فرهنگیان البرز

*ششمین روزادامه اعتراض کارگران پوشاک بنگلادش برای افزایش حداقل دستمزد و پرداخت بموقع مطالبات معوقه با مسدود کردن جاده؛ درگیری پلیس با معترضان و مصدومیت دستکم 50 نفر

روز شنبه 17 اکتبر، اعتراض کارگران کارخانه‌های پوشاک در منطقه اوتارای داکا، پایتخت بنگلادش، برای ششمین روز پیایی ادامه یافت. کارگران در تلاش برای مسدود کردن بزرگراه داکا - مایمن‌سینگ، در منطقه راج‌لکشمی با پلیس درگیر شدند. بر اساس گزارش روزنامه دیلی استار، در این درگیری دستکم 50 نفر، از جمله 18 مأمور پلیس، زخمی شدند.



کارگران خواستار تعیین حداقل دستمزد پایه ماهانه به میزان 30 هزار تاکا، افزایش دستمزدها و پرداخت حقوق و مطالبات معوق خود هستند. آنان می‌گویند افزایش بهای کالاهای اساسی، تأمین هزینه‌های زندگی با دستمزدهای کنونی را دشوارتر کرده و پیگیری‌های پیشین برای رسیدگی به مطالباتشان نتیجه‌ای نداشته است.

اعتراض‌ها از روز دوشنبه 12 اکتبر در نقاط مختلف اوتارا آغاز شد و در روزهای بعد با تجمع و مسدود کردن مسیرهای رفت‌وآمد ادامه یافت. روز شنبه، کارگران چند کارخانه در نقاط مختلف منطقه گرد آمدند و برای بستن بزرگراه تلاش کردند. پلیس برای پراکنده کردن معترضان از باتوم، نارنجک صوتی و آبپاش استفاده کرد. گزارش‌ها همچنین از پرتاب سنگ و آجر از سوی شماری از معترضان و آسیب دیدن خودروهای پلیس حکایت دارند.

همزمان با ادامه اعتراض‌ها، مدیریت پنج کارخانه پوشاک در منطقه تصمیم گرفت فعالیت واحدهای خود را به‌طور نامحدود متوقف کند. نماینده انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک بنگلادش اعلام کرد که این تصمیم پس از سه روز اختلال در فعالیت کارخانه‌ها گرفته شده است.

در واکنش به اعتراض‌های دستمزدی، دولت بنگلادش نیز روند تشکیل هیئت جدید تعیین حداقل دستمزد در بخش پوشاک را آغاز کرده و از تشکلهای کارگری و کارفرمایی خواسته است نمایندگان خود را معرفی کنند. با این حال، کارگران همچنان بر افزایش دستمزدها و پرداخت مطالبات معوق تأکید دارند و اعتراض‌های آنان در اوتارا به برخورد با پلیس انجامیده است.

***تظاهرات سراسری در پرتغال برای افزایش دستمزدها و بهبود خدمات عمومی و ادامه چادرزنی معترضان به بحران مسکن در لیسبون و پورتو با خواسته لغو قانون جدید اجاره و گسترش مسکن عمومی**

روز شنبه 17 اکتبر، هزاران نفر با فراخوان کنفدراسیون عمومی کار پرتغال (CGTP) در لیسبون، پورتو و کویمبرا به خیابان آمدند. این تظاهرات با محوریت افزایش دستمزدها و مستمری‌ها، بهبود خدمات عمومی و اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی برگزار شد. همزمان، معترضان به بحران مسکن نیز با برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمع‌ها، سیاست‌های دولت در زمینه اجاره و دسترسی به مسکن مناسب را هدف قرار دادند.



اتحادیه‌های کارگری در شرایطی این تظاهرات را سازمان دادند که افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه مخارج مسکن، فشار سنگینی بر دستمزدبگیران و خانوارهای کم‌درآمد وارد کرده است CGTP . خواستار افزایش درآمدها، تقویت خدمات عمومی و بهبود شرایط زندگی کارگران و بازنشستگان شد. با این حال، تظاهرات اتحادیه‌ها و اقدامات جنبش مسکن، با وجود هم‌زمانی و اشتراک در برخی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، دو حرکت جداگانه با سازمان‌دهندگان و مطالبات مشخص خود بودند.

در پایان تظاهرات مربوط به بحران مسکن در روز شنبه، معترضان در لیسبون و پورتو چادر برپا کردند و شب را در محل گذراندند. این اقدام اعتراضی در روز یکشنبه 18 اکتبر نیز ادامه یافت.



در لیسبون، صدها نفر در میدان روسیو شب را در چادرها گذراندند. معترضان در مجمع عمومی درباره ادامه حرکت تصمیم گرفتند و بر ضرورت پاسخ‌گویی به مطالبات جنبش تأکید کردند. در پورتو نیز معترضان در میدان دوم ژائو اول بار دیگر چادر زدند و اعلام کردند که در صورت بی‌پاسخ ماندن مطالبات، ممکن است تحصن خود را پس از 20 اکتبر نیز ادامه دهند.

معترضان خواستار لغو قانون جدید اجاره، مهار افزایش اجاره‌بها، گسترش مسکن عمومی و استفاده از ساختمان‌های دولتی خالی برای تأمین مسکن هستند. جلوگیری از اخراج مستأجران و مقابله با خرید خانه‌ها با هدف سوداگری و کسب سود از افزایش قیمت‌ها نیز از دیگر محورهای اعتراض است.

جنبش حق مسکن، افزایش اجاره‌بها و دشواری دسترسی به خانه‌ای مناسب را از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی پرتغال می‌داند. به‌ویژه جوانان، مستأجران و خانوارهای کم‌درآمد با دشواری فزاینده‌ای برای تأمین هزینه مسکن روبه‌رو هستند. معترضان تأکید دارند که دسترسی به مسکن نباید تابع سودآوری سرمایه‌گذاری و افزایش بی‌وقفه قیمت‌ها باشد.

در بامداد پنجشنبه 15 اکتبر، عملیات پلیس برای برچیدن چادرهای معترضان در میدان دوم ژائو اول پورتو به زخمی‌شدن شماری از حاضران انجامید. بنا بر آمار اعلام‌شده از سوی جنبش مسکن، 39 نفر زخمی شدند و دو نفر از آنان شکستگی استخوان داشتند. پلیس نیز از زخمی‌شدن یکی از مأموران خود خبر داد.

این برخورد با اعتراض جنبش حق مسکن روبه‌رو شد. آمبودزمان پرتغال نیز از پلیس امنیت عمومی خواست درباره عملیات انجام‌شده اطلاعات و اسناد ارائه کند تا نحوه مداخله و رعایت حقوق معترضان بررسی شود.

فعالان جنبش مسکن، برخورد پلیس را نامتناسب دانسته‌اند؛ در مقابل، مقام‌های مسئول درباره ضرورت مداخله روایت متفاوتی ارائه کرده‌اند. از این رو، آمار زخمی‌ها و ارزیابی نحوه عملکرد پلیس باید با انتساب روشن به منابع مربوط بیان شود.

همزمانی تظاهرات اتحادیه‌های کارگری در روز شنبه با اعتراض‌های مسکن و ادامه چادرزنی در روز یکشنبه، ابعاد مختلف فشار اقتصادی بر مردم پرتغال را آشکار می‌کند. برای کارگران و بازنشستگان، افزایش دستمزدها و مستمری‌ها و برخورداری از خدمات عمومی مناسب اهمیت دارد؛ برای مستأجران و خانوارهای فاقد مسکن نیز مهار اجاره‌بها و گسترش مسکن عمومی به مسئله‌ای فوری تبدیل شده است.

با ادامه چادرزنی در لیسبون و پورتو، معترضان تلاش دارند بحران مسکن را در مرکز توجه عمومی نگه دارند و دولت و شهرداری‌ها را به پاسخ‌گویی وادار کنند. در حالی که تظاهرات کارگری در روز شنبه برگزار شد، ادامه حضور شبانه و برنامه‌های پیگیری جنبش مسکن در روز یکشنبه نشان داد که اعتراض به بحران مسکن به یک اقدام یک‌روزه محدود نمانده است.

***تجمع ضدنژادپرستی در کپنهاگ در اعتراض به راهپیمایی راست افراطی برای اخراج مهاجران**

روز شنبه 17 اکتبر، کپنهاگ، پایتخت دانمارک، صحنه دو راهپیمایی با جهت‌گیری متضاد درباره مهاجرت و حقوق مهاجران بود. همزمان با راهپیمایی جریان راست‌گرای «مردم دانمارک» (Det Danske Folk) با شعار «بازمهاجرت»، ائتلافی از سازمان‌های ضدنژادپرستی، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی در اعتراض به نژادپرستی و سیاست اخراج مهاجران به خیابان آمدند.

راهپیمایی راست‌گرایان از میدان کنگس نیتورف آغاز شد و به سوی میدان مقابل کاخ کریستیانسبورگ ادامه یافت. این حرکت با شعارهایی از جمله «بازمهاجرت منصفانه و واقع‌بینانه» و مخالفت با «اسلامی‌شدن» دانمارک برگزار شد. بر اساس شمارش تصویری گروه پژوهشی Redox، حدود 1350 تا 1400 نفر در این راهپیمایی شرکت کردند.

در مقابل، تجمع ضدنژادپرستی با شعار «نه به بازمهاجرت» از میدان هالم‌توروت آغاز شد و به سوی میدان برتل توروالدن حرکت کرد. سازمان‌دهندگان این تجمع، از جمله ابتکار «کپنهاگ برای تنوع»، «شهر بدون نژادپرستی» و «ابتکار مشترک علیه نژادپرستی و تبعیض»، با سیاست‌هایی که به گفته آنان حقوق مهاجران را تهدید می‌کند، مخالفت کردند. اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی نیز در این حرکت مشارکت داشتند. گروه پژوهشی دانمارکی Redox گزارش می‌دهد که تظاهرات ضدنژادپرستی از راهپیمایی راست افراطی بزرگتر بود.



مفهوم «بازمهاجرت» در کارزار جریان راست‌گرا به بازگرداندن مهاجران اشاره دارد. مخالفان این سیاست هشدار می‌دهند که چنین برنامه‌هایی می‌تواند به سلب حقوق و اخراج گسترده مهاجران منجر شود و تبعیض علیه مسلمانان و دیگر گروه‌های مهاجر را تشدید کند.

این رویارویی در شرایطی رخ داد که راهپیمایی پیشین همین جریان در 5 سپتامبر نیز با حضور گروه‌هایی همراه شده بود که بنا بر گزارش‌ها، سلام نازی داده و مواد آتش‌زا به سوی مخالفان پرتاب کرده بودند. سخنگوی «مردم دانمارک» پیش از راهپیمایی جدید گفته بود که گروه‌های یونیفورم‌پوش و افرادی که سلام نازی می‌دهند، در این حرکت پذیرفته نیستند.

پلیس کپنهاگ برای جدا نگه‌داشتن دو گروه، نیروهای زیادی در مسیر راهپیمایی مستقر کرد. بنا بر گزارش خبرگزاری ریتزائو، دو نفر، یکی از هر طرف، پیش از آغاز راهپیمایی بازداشت شدند. پلیس اعلام کرد که در ساعت 17 تجمع‌ها پایان یافته و رفت‌وآمد عادی در مسیر از سر گرفته شده است.

این تظاهرات بار دیگر اختلاف بر سر مهاجرت، تبعیض و حقوق اقلیت‌ها را در دانمارک به عرصه خیابان کشاند. مشارکت سازمان‌های ضدنژادپرستی، اتحادیه‌های کارگری و احزاب در تجمع مخالفان، نشان‌دهنده تلاش بخشی از نیروهای اجتماعی برای مقابله با گسترش سیاست‌های ضد‌مهاجرتی و دفاع از حقوق مهاجران است.

***ادامه پرپرشدن کارگران بر اثر حوادث کاری زیرسایه بی خیالی صاحب منصبان:**

1- جان باختن 58 کارگردر استان آذربایجان شرقی بر اثر حوادث کاری طی 6 ماهه اول سال جاری

مدیرکل پزشکی قانونی آذربایجان شرقی از افزایش 21 درصدی تلفات حوادث ناشی از کار در نیمه نخست سال جاری خبر داد و گفت: 58 نفر در این حوادث جان باختند که همگی مرد بودند.

وی با اشاره به علت فوت جانباختگان افزود: 20 نفر بر اثر سقوط از بلندی، 18 نفر به علت برخورد با جسم سخت، 13 نفر بر اثر سوختگی، 3 نفر به علت برق‌گرفتگی و 2 نفر بر اثر خفگی جان باختند.

وی ادامه داد: در همین مدت، 660 نفر (639 مرد و 21 زن) نیز به دلیل مصدومیت ناشی از حوادث کاری به ادارات پزشکی قانونی استان مراجعه کردند که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته چهار درصد کاهش داشته است.

او با اشاره به آمار سال گذشته خاطرنشان کرد: در مجموع سال گذشته، 95 نفر بر اثر حوادث ناشی از کار در استان جان باختند که همگی مرد بودند. همچنین یک‌هزار و 294 نفر به دلیل مصدومیت ناشی از این حوادث به پزشکی قانونی مراجعه کردند که 65 نفر از آنان زن و بقیه مرد بودند.

2- جان باختن 23 کارگر در استان کرمانشاه بر اثر حوادث کاری طی 6 ماهه اول سال جاری

مدیرکل پزشکی قانونی استان کرمانشاه از مصدومیت 377 نفر و فوت 23 نفر بر اثر حوادث کار در نیمه نخست سال جاری خبر داد.

او ادامه داد: در شش ماه نخست امسال، 23 مرد بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند و پیکر آنان در مراکز پزشکی قانونی استان مورد معاینه قرار گرفت. این رقم در مدت مشابه سال گذشته 24 نفر شامل 23 مرد و یک زن بود.

وی افزود: در شش ماه نخست سال جاری، 377 نفر در استان بر اثر حوادث ناشی از کار مصدوم شدند که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته است. از مجموع مصدومان حوادث کار در این مدت، 365 نفر مرد و 12 نفر زن بوده‌اند؛ این در حالی است که در نیمه نخست سال 1404، تعداد مصدومان به 538 نفر شامل 522 مرد و 16 زن می‌رسید.

او اضافه کرد: سقوط از ارتفاع با 11 مورد، بیشترین سهم را در میان عوامل مرگومیر داشته است. همچنین پنج نفر بر اثر اصابت جسم سخت، دو نفر در پی برخورد با سایر اجسام، دو نفر بر اثر برق‌گرفتگی و سه نفر به دلیل سوختگی جان باختند.

3- بازهم جان باختن کارگران شهرداری بر اثر تصادف حین کار؛ اینبار کارگر فضای سبز شهرداری گرگان

روزشنبه 25 مهر، یک کارگر فضای سبز شهرداری گرگان بنام علیرضا شهریاری و متاهل حین کار در حاشیه بلوار صیاد شیرازی بر اثر برخورد یک خودروی سواری باوی در دم جان باخت.

4- جان باختن یک کارگر 65 ساله در رشت بر اثر سقوط به چاله آسانسور

روزیکشنبه 26 مهر، یک کارگر 65 ساله حین کار در یک ساختمان نیمه‌کاره واقع در محدوده جانبازان رشت بر اثر سقوط از طبقه هفتم به داخل چاله آسانسور در دم جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com